

### پیش‌درآمدی بر صنایع - (قسمت آخر)

بررسی چگونگی و ویژگیها و تنگناهای صنایع از مقطع روستا تا مراکز و نواحی بزرگ صنعتی آنچه‌ی بود که در این سلسله مباحث، (که آخرین قسمت آن در این شماره به چاپ می‌رسد) پیگیری شد و امید است که انشاءالله در آینده سلسله مباحثی را در ارتباط با نوع و شیوه تکنولوژی مناسبی که عموماً این بخش از اقتصاد طلب می‌کند را به بحث بگذاریم.

#### صنایع سنگین و مادر

صنایع سنگین و مادر به عبارتی بخش هدایت‌کننده و تقویت‌کننده یک مدار صنعتی بوده و همواره از پایه‌های اصلی آن بشمار می‌رفته است و چنانچه اینگونه صنایع را در تبدیل مواد خام اولیه به کالای واسطه‌ای از نوع ذوب فلزات و پستروشمی و همچنین صناعی که کالای سرمایه‌ای تولید می‌کنند تعریف نمائیم بدون شک تداعی این موضوع است که، زمینه توسعه و گسترش آن در کشور ما با وجود ذخائر غنی زیرزمینی که وجود دارد بسیار فراهم می‌باشد که رژیم شاه بنا بر همان گسیختگی صنعتی که ذکر شد و وجود وابستگی در برنامه‌ریزی، هر قدر می‌که در جهت فوق برداشته است، نمی‌توانست ماهیت استقلال‌نگری داشته باشد، بنا بر همین امر می‌باشد که با صرف سرمایه‌گذاریهای بسیار سنگینی که در زمینه‌های مختلف صنایع مادر بعمل آمده بود قادر به ایجاد یک حرکت صنعتی نبوده است و تولیدات این مجموعه نیز بنحوی در اختیار صنایع وابسته و به تقویت آنها انجامیده است.

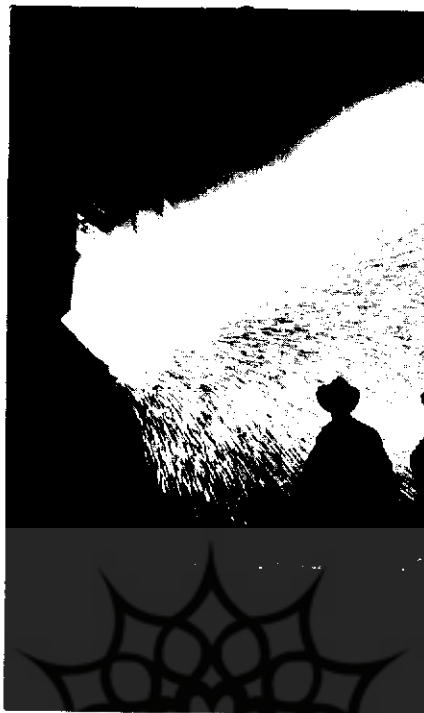
نواحی و مراکز بزرگ صنعتی از نوع ذوب آهن، نورد، ذوب مس، پتروشیمی و غیره در کشور وجود دارد که مواد خام اولیه این بخشها بطور کلی در کشور وجود دارد، که اشاره‌ای به کیفیت و کمیت آنها مبنای موضوع را روشنتر می‌نمایاند:

۱- نفت:

ذخائر نفت شناخته شده جهان بالغ بر ۴۳۱ میلیارد بشکه تخمین زده شده که از این مقدار در حدود ۴۵ میلیارد بشکه آن در ایران وجود دارد که عبارتی یک دهم نفت دنیا در کشور ما وجود دارد.

۲- گاز:

کل ذخائر قطعی گاز طبیعی ایران حدود ۳۵۷ هزار میلیارد فوت مکعب و میزان احتمالی آن حدود ۴۴۶ تریلیون فوت مکعب برآورد شده است که بعد از شوروی صاحب بزرگترین منابع و ذخائر گاز طبیعی در جهان



\* از زمره ویژگیهای این بخش هدایت نمودن تمام بخشهای صنعتی کشور است لذا علاوه بر برنامه‌ریزی برای خود این صنایع می‌بایستی، این صنعت دورنمائی مبسوط از کلیه فعالیتهای صنعتی کشور تا مقطع روستا را در دست داشته باشد.

\* وجود مراکز قوی تحقیقاتی در بخشهای مختلف صنایع مادر و سنگین برای تامین نیازهای مختلف صنعت نیز از ملزومات حرکت آن می‌باشد که هر قدر منسجم‌تر و هماهنگ‌تر بوده باشند نتایج آنها نیز مشرثرتر و اساسی‌تر خواهد بود.



می‌باشیم.

۳- ذغال سنگ:

با کشف معادن عظیم ذغال سنگ در کویر مرکزی ایران میزان ذخائر ذغال سنگ در کشور به ۳۱ میلیارد تن تخمین زده شده است که می‌تواند بصورت یکی از منابع عظیم تولید انرژی قرار بگیرد.

۴- سنگ آهن:

با کشف اخیر معدن بزرگ آهن در منطقه بافت و سیرجان که ذخیره آن از ۴۵۰ میلیون تن تجاوز می‌کند و عیار آن بطور متوسط ۶۵ درصد است، مجموع ذخائر سنگ آهن کشور بیش از ۱۵۰۰ میلیون تن برآورد می‌شود که عیار آن بین ۴۰ تا ۶۵ درصد میباشد.

۵- معادن مس:

میزان احتمالی معادن مس را می‌توان در حدود ۷۵۵ میلیون تن تخمین زد که معادن مس سرچشمه کرمان به تنهایی ۷۰۰ میلیون تن آن را ذخیره دارد که درصد خالص آن بین هفت هزار تا چهار درصد نشان داده شده که جزء خالص‌ترین معادن مس دنیا می‌باشد.

۶- معادن دیگری از جمله سرب و روی (۱۰ میلیون تن)، اکسید، کرومیت، منگنز، تنگستن، قلع، آنتیمران، طلا، پتاس، اورانیوم، و غیره در کشور کشف و به میزان قابل توجهی وجود دارد.

بنابراین وجود ذخائر غنی فوق زمینه مساعدی را برای تنظیم یک برنامه‌ای صنعتی که مبتنی بر استقلال صنعتی و خود کفائی باشد فراهم می‌نماید، و مسلماً تنها تهیه شمش مس و تولید نفت خام نیست که یک مجموعه و ترکیب صنعتی مناسبی را بوجود می‌آورد بلکه تغذیه کلیه بخشهای صنعتی و تولید کالاهای ضروری در کشور است که رفته رفته یک مجموعه منسجم و تکامل یافته‌ای از صنعت را ایجاد خواهد نمود.

پس همانطوریکه اشاره شد فی‌نفسه این بخش از صنایع که بسیار حساس و برای اقتصاد کشور حیاتی است دارای ویژگی هدایت‌کننده‌ای می‌باشد که تنها در بستر برنامه‌ریزی است که می‌تواند بخشهای مختلف صنعت را بهم مرتبط نموده و کالاهای مورد نیاز کشور را در داخل تولید نماید و علاوه بر آن، از صادرات مواد خام که به نسبت قیمت کالاهای وارداتی بسیار ارزان است جلوگیری نموده و کالاهای صادراتی را تا آنجائی که تکنولوژی کشور اجازه می‌دهد از مواد خام به انواع و اقسام کالا، تبدیل و سپس صادر نمائیم. لذا این بخش دارای خصوصیات منحصر به فردی

می باشد که ضروری است برای هر کدام در حد لازم سرمایه گذاری شود.

۱- برنامه ریزی:

بدلیل سرمایه فراوانی که در این بخش متمرکز می شود ضروری است همچون ساعت، حرکت آینده این صنعت، با برنامه تنظیم گردد و کوچکترین ابهامی را حتی در برنامه های بلندمدت نداشته باشیم که به تبع آن دیگر بخشها دچار سر درگمی نگردند.

۲- تخصص نیروی انسانی:

نیروی انسانی متخصص نیز بنوبه خود در این بخش دارای اهمیت بسیار زیاد بوده و وجود دانشگاهها و مدارس عالی در متن و بطن

این صنایع از ملزومات حرکت صحیح آن می باشد، لذا تربیت نیروی انسانی در برنامه های کوتاه مدت و بلند مدت می بایستی سرلوحه قرار گیرد.

۳- تکنولوژی:

آنچه را که غریبها را مفرور ساخته و همواره به آن می بالند در اختیار داشتن تکنولوژی ای است که به قیمت زیر پا نهادن هستی هزاران هزار انسانهای بیگانه و غارت منابع مادی و معنوی کشورهای عقب نگاه داشته شده است که بدست آورده اند که نوع مناسب آن را به راحتی در اختیار کشورهای استقلال طلب نمی گذارند که با توجه به این موضوع و تکیه بر متخصصین کشور و ایجاد فضای خلاقیت و ابتکار و اتکال به خداوند، ما قادر خواهیم بود این گره سخت را گشوده و همچون سیلی بقایای وابستگیهای بجای مانده از رژیم گذشته را از بین ببریم، به هر صورت بررسی موضوع فوق را به جای دیگر موقوف می نمائیم.

۴- هدایت کننده ای:

از زمره ویژگیهای این بخش هدایت نمودن تمام بخشهای صنعتی کشور است لذا علاوه بر برنامه ریزی برای خود این صنایع می بایستی، این صنعت دور نمائی مرسوم از کلیه فعالیتهای صنعتی کشور تا مقطع روستا را در دست داشته باشد.

۵- نواحی صنعتی:

مسلم است که استقرار این صنایع بصورت متمرکز انجام گرفته و در یک ناحیه می تواند به میزان بسیار بالائی اشتغال ایجاد نماید که انتخاب این نواحی کما اینکه تا کنون بدین شیوه بوده در مناسبترین و نزدیکترین محل تولید مواد اولیه با توجه به ملاحظات دیگر صورت می گرفته است.

۶- سرمایه گذاری تحقیقاتی:

وجود مراکز قوی تحقیقاتی در بخشهای مختلف صنایع ما دروسنگین، برای تامین نیازهای مختلف صنعت نیز از ملزومات حرکت آن می باشد که هر قدر منسجم تر و هماهنگ تر بوده باشند نتایج آنها نیز مثمر ثمرتر و

اساسی تر خواهد بود.

۷- تربیت نیروی انسانی هادی:

از جمله فعالیتهای دیگری که این بخشهای صنعتی بخوبی می توانند انجام دهند تربیت نیروی انسانی متخصصی است که در بخشهای صنعتی، روستا تا مقاطع بالاتر مورد نیاز است بدین مفهوم که یک رشته خاص صنعت مادر، تربیت کلیه متخصصانی را که تا مقاطع روستا در برنامه های کوتاه مدت و بلند مدت لازم است را بعهده بگیرد و جهت تکامل صنایع، اقدام به سرمایه گذاری نماید و این

بخودی خود، همچون محرکی برای تداوم حیات فعالیتهای صنعتی و تضمین کننده آن خواهد بود.

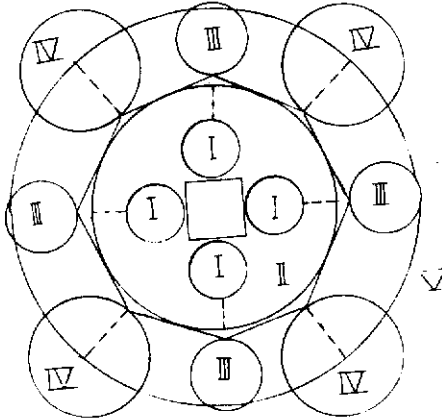
البته این سؤال در اینجا ممکن است مطرح شود که منظور از توجه به این صنایع سنگین در چه سطحی است، آیا طرح احیاء و تقویت صنایع مادر و سنگین را مجرداً بیان می نمائیم، همانند بعضی از کشورهای بلوک شرق که یکبار تمام سرمایه گذاریها، بدون توجه به دیگر فعالیتهای اقتصادی به این بخش جذب شد؟ و یا مسئله ای دیگر را طرح می نمائیم. آنچه

مسلم است در این شیوه صنعتی شدن که یک نمونه بارز آن در شوروی به قیمت نابودی تعداد بسیار زیادی انسانها که از فرط گرسنگی حتی جان دادند انجام گرفت، بوده و همین امر سبب شد که از توجه اساسی به بخشهای مختلف اقتصادی از جمله صنایع کوچک، صنایع کشاورزی و بخش کشاورزی غافل بماند و نتیجه آن این شد که پس از هفتاد سال، هنوز هم برای تامین مواد غذایی محتاج به واردات باشد و یا اینکه طریقی دیگر را نیز مدنظر داشتیم بدین جهت نتیجه ای هر چند خلاصه از مباحث گذشته را ارائه نموده و به طرح کلی، نظری اجمالی خواهیم داشت.

طرح کلی صنایع:

بنابر آنچه تا کنون بیان شد، ایجاد یک حرکت صنعتی مستلزم توجه ای کامل و دقیق به مجموع صنعت در کانونهای تولیدی کشور است یعنی همان مراکز که قبل از رسوخ استعمار، منایحتاج این کشور را تامین می نمودند. که برای دستیابی به یک صنعت مناسب ضروری است به صنایع بومی مملکت که در یک رابطه بسیار مستقیم بین نیاز مردم سطح علمی آنان و نوع و چگونگی مواد اولیه ایجاد شده، توجه گردد و با برنامه ریزی در بخشهایی که اشاره شد تکنولوژی مناسب را جهت تامین کالاهای مورد نیاز و کاهش قیمت تمام شده و بالا رفتن کیفیت تولیدات در اختیار صنعتکاران گذاشته و در یک روند چندین ساله با برنامه ای مناسب طبقات و مقاطع مختلف صنعت را تکمیل نموده و

هماهنگ با آنها در بخش هدایت کننده و تغذیه کننده نیز سرمایه گذاری نمائیم یعنی همانطوریکه در نمودار زیر مشاهده می گردد انشاءالله در مقطعی از زمان دارای صنایعی پیشرفته و در عین حال کاملاً مرتبط با هم از روستا تا نواحی صنعتی بزرگ باشیم که بتواند ضمن تامین کالاهای مورد نیاز کشور به بهترین وجه ممکن از نعمتهائی که خداوند در اختیار این ملت قرار داده است حداکثر استفاده را بنمائیم.



« طرح کلی صنایع و چگونگی ارتباط آنها با روستا »

□ روستا

○ مراکز دهستان

○ صنایع روستائی

II صنایع کوچک روستائی

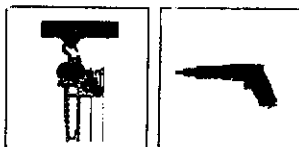
III صنایع متمرکز

(IV) صنایع سبک

(V) صنایع مادر و سنگین

همانگونه که در طرح فوق مشاهده میشود مدار صنعتی کشور حول محور روستا قرار داشته و توسعه صنعتی بمعبارتی توسعه اقتصادی کشور را نیز بهمراه خود خواهد داشت.

«والسلام»



## مشکلات عرضه محصولات کشاورزی (قسمت نهم)

# بیمه...

مالی تا اندازه زیادی کاهش داد اما سوانح طبیعی مانند: سیل، تگرگ و طوفان به میزان زیادی فاقد قابلیت پیشگیری و یا اصولاً غیرقابل پیشگیری هستند و در نتیجه حوادثی چون سیل، یخبندان، سرمای زودرس، تگرگ، آتش‌سوزی و... سالیانه آثار زیانباری بر حاصل رنج و زحمات کشاورزان وارد می‌آورند و همراه با آن، آفات و امراض نیز سالیانه مقادیر قابل توجهی از محصولات کشاورزی را از بین می‌برند. بعنوان مثال: «در اردیبهشت ماه سال ۶۰ ریزش باران و طوفیان رودخانه هیرمند در روستاهای سیستان و بلوچستان ۷۸ روستا را در محاصره سیل قرار داد و مزارع ۲۵ آبادی را در اطراف زابل ویران کرد و سیل بند بسیاری از روستاها را در هم شکست و هفت هزار راس دام را نابود کرد». تحمل این خسارات با توجه به وضعیت زندگی روستائیان از عهده آنها خارج است، و در بسیاری از موارد آنها را از هستی و زندگی ساقط می‌کند. بهر صورت در بهترین شکل خود و با بکارگیری امکانات نیز این سوانح سبب نابودی مقدار قابل توجهی از محصولات کشاورزی می‌گردند. حجم عرضه در کوتاه مدت کاهش پیدا می‌کند و سبب روی آوری به واردات می‌شود، کشاورز را دچار یاس و ناامیدی کرده و احتمالاً موجبات

کاهش سطح زیر کشت و حجم تولید در سالهای آتی را فراهم خواهد آورد، در بسیاری موارد کشاورز بناچار جهت ادامه زندگی خود به سلف‌خرها، میدان‌دارها، رباخوارها و... روی می‌آورد و تا با دریافت مبلغ ناچیزی نتیجه تلاش سال آینده خود و خانواده‌اش را در خوان بیغمای این اقشار می‌گذارد، و همانطور که در ابتدا اشاره شد کاهش حجم محصول در کوتاه مدت سبب بی‌ثباتی قیمت‌ها و عوارض بعدی آن در کل جامعه میشود.

در این میان «بیمه محصولات کشاورزی» به همراه عوامل دیگری چون تضمین خرید محصولات، اعطای وام و اعتبارات به اندازه



در بررسی سلسله عوامل موثر در کاهش یا افزایش ضایعات محصولات کشاورزی در روند عرضه، در این شماره اشاره‌ای داریم به «بیمه محصولات کشاورزی». در ابتدای سخن ضروری است نگاهی داشته باشیم به «فلسفه بیمه محصولات کشاورزی» و اینکه اصلاً چرا محصولات کشاورزی بیمه می‌شوند و منظور از بیمه چیست؟

بدلیل نوع و ماهیت فصلیاتی که در کشاورزی صورت می‌گیرد، کشاورز همواره و بطور مستقیم با طبیعت سروکار دارد و اصولاً کشاورزی یعنی کار و تلاش بر روی زمین و بدین خاطر فعالیتهای کشاورزی متکی به طبیعت می‌باشد و از آنجا که وقوع حوادث و سوانح طبیعی در این بخش، امری ناگزیر است، کشاورز همواره با خطرات ناخواسته و نابود کننده‌ای روبرو است بطوری که با بکارگیری امکانات و شرایطی که علم و تکنولوژی، امروزه در اختیار بشر قرار داده است، کشاورز باز هم نسبت به حاصل کار و تلاش خود نامطمئن هست و این عدم اطمینان منطقی در میزان تلاش و بکارگیری امکانات و نتیجه تلاش کشاورز اثرات گاهنده دارد، مهمتر اینکه در صورت بروز حوادث و سوانح طبیعی، و آسیب دیدن و از بین رفتن حاصل زحمات کشاورز، نتایج تلخ‌تری ببار خواهد آورد. توجه به این نتایج نامطلوب در روند رشد و توسعه کشاورزی عاملی است تا کشاورز و مسئولین ذیربط به اقدامی در جهت کاهش این نتایج و اثرات خطرات مورد بحث دست یازند و اطمینان خاطر نسبت به آینده فعالیت در کشاورز ایجاد نمایند.

**خطراتی که محصولات کشاورزی را مورد تهدید قرار می‌دهد**

خطراتی که بطور عموم محصولات کشاورزی را مورد تهدید قرار داده و باعث از بین رفتن محصول می‌شود، شامل: سوانح طبیعی، آفات عمومی و قرنطینه‌ای میشود که اگر بتوان اثرات آفات و امراض را با اتکا به پیشرفتهای تکنولوژیک و علمی و امکانات

کافی و به موقع و... با تضمین آینده تلاش کشاورز، اطمینان خاطر لازم را در جهت تداوم فعالیت‌های کشاورزی و بکارگیری هرچه بیشتر امکانات در تولید در او ایجاد خواهد نمود.

بیمه متکی بر تعاون و همکاری انسانها با یکدیگر است، افرادی که در معرض خطرات مختلف قرار دارند با مجتمع شدن در کنار یکدیگر و با بکارگیری امکانات مالی خود، به هنگام مواجهه با خطرات و حوادث بیماری هم شتافته و اثرات زیانبار حوادث را به میزان زیادی از این طریق کاهش می دهند. در بیمه محصولات کشاورزی نیز با تحت پوشش قرار گرفتن کشاورزان و از محل وجوه پس انداز ناشی از حق بیمه‌های خود کشاورزان و کمک‌های دولت، به هنگام بروز سوانح طبیعی و شیوع امراض و آفات و ایجاد خسارت، به مقدار زیادی اثرات و نتایج نامطلوب این خسارات بر زندگی کشاورز و جامعه کاهش داده میشود. بیمه محصولات کشاورزی، سبب می شود تا کشاورز با اطمینان خاطر نسبت به آینده رنج و زحمت خود و با دلگرمی بیشتر دست به فعالیت بزند، امکاناتی را که منجر به افزایش تولید می شود بهتر و بیشتر بکار گیرد، و باعث میشود تا کشاورز ناچار نشود بسوی سلف‌خرها و واسطه‌ها روی آورد، در مهاجرت روستائیان به شهر تاثیر منفی داشته و از میزان هجوم به شهرها و رها نمودن کشاورزی می‌کاهد، و در نتیجه موجبات افزایش سطح زیرکشت محصول را فراهم می آورد.

در شرایطی که محصولات کشاورزی بیمه نیستند، در مواقع بروز سوانح طبیعی چون سیل، تگرگ و... دولت بار اصلی و اساسی و در مواردی تمام بار مالی جبران خسارات را ناچاراً متقبل میشود، در صورتیکه با بیمه نمودن محصولات، و تجمع پس‌اندازهای ناشی از حق بیمه‌های دریافتی، ضمن اینکه کشاورز نیز خود در تحمل این هزینه‌ها سهیم می‌باشد، هزینه خسارات وارده در طول سالهای مختلف سرشکن میشود.

### نگاهی به بیمه محصولات کشاورزی در جهان

«در کشورهای غربی، آمریکا برای اولین بار در سالهای ۱۹۱۸-۱۹۰۹ طرحهای مختلف بیمه کشاورزی را مورد بررسی قرار داد و متعاقباً با بیمه نمودن تعداد کمی محصولات و آنهم در نواحی آزمایشی، کار را شروع نمود و بتدریج با گسترش دامنه بیمه ماشین‌آلات و تاسیسات کشاورزی نیز علاوه بر محصولات و دامها زیر پوشش بیمه قرار گرفت. کشورهای اروپائی نیز سیاست بیمه کشاورزی را در مورد محصولات، دام و

ماشین‌آلات به اجرا گذاشته‌اند. در برخی از آنها بیمه ناحیه‌ایست و خسارت هم در منطقه

برآورد و پرداخت میشود و در برخی دیگر از این کشورها بررسی به شکل موردی و مزرعه به مزرعه صورت می‌گیرد.»

«در آسیا ژاپن اولین کشوری بود که قوانین مربوطه را تدوین نموده و به اجرا گذاشت. این کشور در ابتدا در سال ۱۹۲۹ بیمه دام و در ۱۹۳۹ قانون بیمه محصولات را تصویب نمود و از سال ۱۹۴۷ برنامه را بطور کامل و در سطح کشور به اجرا درآورد. لازم بتذکر است که بیمه غلات و دام در ژاپن اجباری است و دولت نیز در پرداخت حق بیمه به کشاورزان کمک می‌کند.»

«در آسیا به غیر از ژاپن، سریلانکا از سال ۱۹۵۸ در سطح تمام کشور، هند از سال ۱۹۸۰ در سه ایالت بطور آزمایشی و بنگلادش در ۲۰ ناحیه و بصورت آزمایشی، فیلیپین برای اجرا در تمام کشور بیمه محصولات کشاورزی را شروع نموده‌اند.»

### بیمه در ایران

مطالعات در مورد اجرای برنامه بیمه محصولات کشاورزی در ایران از سال ۱۳۴۹ شروع گردید و قانون آن در تاریخ ۵۵/۴/۲۷ بتصویب مجلس وقت رسید. در سال ۱۳۵۸ براساس مصوبه شورای انقلاب کلیه قوانین بیمه سابق لغو گردید و بر اساس همین مصوبه صندوق کمک به تولید کنندگان خسارت دیده تاسیس و در تبصره آن وزارت کشاورزی موظف شد ظرف مدت ۵ سال مطالعات لازم را انجام داده و لایحه نهائی را تهیه نماید. از سال ۱۳۶۰ جهت انجام این امر، کمیسیونی مرکب از نمایندگان وزارتخانه‌های امور اقتصادی، دارائی، بازرگانی، کشاورزی و سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی، بانک کشاورزی و بیمه‌ها تشکیل گردید که کمیسیون مزبور پس از بررسیهای ماده واحده قانون بیمه را تهیه نمود و پس از تصویب هیئت وزیران در تاریخ ۶۲/۳/۱ قانون بیمه محصولات کشاورزی از تهیه مجلس شورای اسلامی، گذشت و برای اجرا به دولت ابلاغ گردید، اساسنامه مربوطه نیز در آخرین روزهای مجلس اول از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت و با تصویب شورای نگهبان صندوق بیمه محصولات کشاورزی موجودیت خود را از تاریخ ۶۳/۶/۱۷ در بانک کشاورزی اعلام نمود.

در سالجاری که سال اول اجرای قانون بیمه محصولات کشاورزی می‌باشد، تصمیم گرفته شد که بیمه زراعت چغندر قند در استان خراسان که ۴۰٪ زراعت چغندر قند کشور را شامل میشود و بیمه زراعت پنبه در استان مازنداران و گرگان و گنبد که حدود ۸۰٪ زراعت پنبه را در بر می‌گیرد به مرحله اجرا درآید. البته حق بیمه یک هکتار چغندر قند ۸۰۴۰ ریال و حق بیمه یک هکتار زراعت پنبه ۲۲۶۰ ریال تعیین گردیده که ۸۰٪ آن را دولت و مابقی یعنی ۲۰ درصد را کشاورزان می‌پردازند. و این دو محصول در مقابل خطرات سیل، تگرگ، سرما

و یخبندان بیمه شده‌اند. پرداخت غرامت نیز بستگی به زمان وقوع خسارت دارد، به این مفهوم که مثلاً در مورد زراعت چغندر قند دوران رشد گیاه به ۴ دوره تقسیم شده که پس از وقوع خسارت کارشناس صندوق از مزرعه بازدید بعمل آورده و پس از مشخص نمودن دوره‌های گس که گیاه در آن دوره خسارت

دیده، میزان خسارت بر اساس پایان آن دوره محاسبه و پرداخت خواهد شد.

جهت انجام بیمه محصولات کشاورزی بصورتی گسترده در سطح کشور بطوریکه قرین موفقیت باشد، مشکلات عده‌ای وجود دارد، در عین حال که این مشکلات نباید عاملی در جهت رکورد فعالیتها در این مورد شود، اما برنامه‌ریزهایی لازم است که حتی‌المقدور در جهت رفع این مشکلات اقدام شود.

بیمه محصولات کشاورزی اتکا زیادی به آمار و اطلاعات دارد بطوریکه در صورت فقدان اطلاعات لازم انجام کار میسر نخواهد شد. در این مورد نیاز هست که از میزان سطح زیر کشت محصول، میانگین تولید محصول در طول سالهای مختلف اطلاعاتی در دسترس باشد و یا اینکه لازم است مشخص شود محصول مورد نظر از چه خطراتی، و از هر خطر چند نوع و چند درصد آسیب می‌بیند. همچنین احتیاج به این هست که نیروی انسانی کارشناس و کارآمد به تعداد مورد نیاز وجود داشته باشد، و یا اینکه مقررات آداری در این مورد آنقدر انعطاف پذیر باشد که خسارت به موقع برآورد و غرامت در اسرع وقت به کشاورز پرداخت شود. در ارتباط با حق بیمه‌ها نیز قابل توجه است که در این میان دولت بار اصلی را می‌بایست بر دوش داشته باشد و با توجه به وضعیت درآمدی کشاورزان و تولید کنندگان روستائی، انتقال بار عمده حق بیمه بر دوش کشاورز، بجای جلب کشاورز و تضمین موفقیت این طرح، در همان مراحل اولیه طرح را با شکست مواجه می‌گرداند مضافاً به اینکه هدف اصلی کمک درآمدی از طریق پرداخت غرامت به کشاورز است. نکته مهم دیگر در این خصوص دادن آگاهیهای لازم به کشاورزان است تا آنها با درک صحیح از ماهیت بیمه و اینکه هدف کمک به آنها از طریق مشارکت خودشان است و اینکه این غرامت نه یک صدقه بلکه حق قانونی آنها است که از محل حق بیمه‌ها پرداخت میشود و اصولاً توجه این مسئله که این عمل در واقع تضمین آینده و تلاش و زحمت آنها می‌باشد.

